



انجمن علمی فقه‌بزرای تطبیقی ایران



فصلنامه فقه‌بزرای تطبیقی

Volume 3, Issue 2, 2023

Measures to Reduce the Criminal Response in Pre-trial and Trial Stages in the Light of Contractualization of the Procedure

Najmieh Al-Sadat Fazeli Chaharmahali¹, Mahmood Ashrafy^{2*}

1. PhD Student of Criminal Law and Criminology, Isfahan Branch (Khorasgan), Islamic Azad University, Isfahan, Iran.

2. Assistant Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Isfahan Branch (Khorasgan), Islamic Azad University, Isfahan, Iran. (Corresponding Author)

ARTICLE INFORMATION

Type of Article: *Original Research*

Pages: 225-236

Corresponding Author's Info

ORCID: 0000-0001-5628-0978

TELL: +983135002000

Email: mahmood.ashrafy@yahoo.com

Article history:

Received: 05 Mar 2023

Revised: 09 May 2023

Accepted: 06 Jun 2023

Published online: 22 Jun 2023

Keywords:

Contractualization of Criminal Procedure, File Filing, Postponement of Prosecution.

ABSTRACT

Among the steps that have influenced the legal systems in the criminal justice system is the consensus of the criminal justice procedure. This approach, on the one hand, introduces the criminal justice system and on the other hand, the victim and criminal as an active player in reducing the effects of criminal phenomena. This research by a descriptive-analytical method shows that the appropriate institutions such as postponement of prosecution, suspension of prosecution, file filing and other legal institutions which have been mentioned in the law are objective examples of measures that are aimed at reducing crime and slowing down security-oriented criminal responses. The findings of this study show that although these actions of criminal justice system have created positive effects in the pretrial and in the process of proceedings, but they have profound challenges that its outcome will have negative effects. On the other hand, in some crimes that have severe social effects, as well as in crimes that have security and somehow target the ruling system, the criminal justice system not only removes the doctrines of Contractualization, but also its response to the safe-minded, repressive and purely reprehensible criminal.



This is an open access article under the CC BY license.

© 2023 The Authors.

How to Cite This Article: Fazeli Chaharmahali, NA & Ashrafy, M (2023). "Measures to Reduce the Criminal Response in Pre-trial and Trial Stages in the Light of Contractualization of the Procedure". *Journal of Comparative Criminal Jurisprudence*, 3(2): 225-236.



انجمن علمی فقه برای تطبیق ایران

فصلنامه فقه جزای تطبیقی

www.jccj.ir



فصلنامه فقه برای تطبیق

دوره سوم، شماره دوم، تابستان ۱۴۰۲

تمهیدات کاهنده پاسخ کیفری در مراحل پیشادادرسى و دادرسی در پرتو توافقی شدن آیین دادرسی

نجمیه‌السادات فاضلی چهارمحالی^۱، محمود اشرفی^{۲*}

۱. دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد اصفهان، دانشگاه آزاد اسلامی (خوراسگان)، اصفهان، ایران.
۲. استادیار، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد اصفهان، دانشگاه آزاد اسلامی (خوراسگان)، اصفهان، ایران. (نویسنده مسؤول)

چکیده

همواره می‌توان ادعا کرد حقوق کیفری به‌مثابه یک علم در مسیر توسعه اجرای عدالت گام‌های مترقی برمی‌دارد، ازجمله این گام‌ها که در سیستم عدالت کیفری تبلور یافته و نظام‌های حقوقی را متأثر از نگرش‌های خود قرار داده است، توافقی شدن آیین دادرسی کیفری است. این رویکرد از یک طرف سیستم عدالت کیفری با تمامی امکانات و از طرفی بزه‌دیده و بزه‌کار را به‌عنوان یک بازیگر فعال در هرچه کم‌رنگ کردن آثار پدیده مجرمانه، معرفی می‌کند. این پژوهش با روشی توصیفی - تحلیلی مبتنی بر داده‌های کتابخانه‌ای سعی می‌کند به این هدف اصلی که در پرتو توافقی شدن آیین دادرسی کیفری چه تمهیدات کاهنده‌ای درجهت پاسخ‌های کیفری ایجاد شده است. پژوهش نشان می‌دهد نهادهای ارفاقی، چون تعویق تعقیب، تعلیق تعقیب، بایگانی پرونده و دیگر نهادهای حقوقی که در قانون به آن اشاره شده و اختیار آن را به‌موجب قانون در دست سیستم عدالت کیفری قرار داده است، مصداق عینی تمهیداتی است که در راستای کاهش جرم و کندکردن پاسخ‌های کیفری امنیت‌مدار کیفر می‌باشد. یافته این پژوهش نشان می‌دهد هرچند این اقدامات سیستم عدالت کیفری در مراحل پیشادادرسى و در فرایند دادرسی در بازخورد با مجرم و بزه‌دیده آثاری مثبت ایجاد کرده است، اما دارای چالش‌های ژرفی است که برآیند آن اثرات منفی نیز خواهد داشت. از طرفی در برخی از جرایم که دارای اثرات شدید اجتماعی هستند و نیز در جرایمی که صبغه امنیتی داشته و به نوعی نظام حاکمه را مورد هدف قرار می‌دهد، سیستم عدالت کیفری نه‌تنها آموزه‌های توافقی شدن را بر پایه عدالت محوری کنار می‌نهد، بلکه پاسخ‌ش به مجرم امنیت‌مدار، سرکوب‌محور و سزاگرایی صرف است.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۲۲۵-۲۳۶

اطلاعات نویسنده مسؤول

کد ارکید: ۰۹۷۸-۵۶۲۸-۱-۵۰۰۰-۰۰۰۰

تلفن: ۰۰۲۰۰۰۰۳۵۱۳۹۸+

ایمیل: mahmood.ashrafy@yahoo.com

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۲/۱۴

تاریخ ویرایش: ۱۴۰۲/۰۲/۱۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۱۶

تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۴/۰۱

واژگان کلیدی:

توافقی شدن آیین دادرسی کیفری، بایگانی پرونده، تعویق تعقیب، سزاگرایی، امنیت‌مداری.



مقدمه

در دهه‌های جدید بهره‌بردن از دستاوردهای جرم‌شناسی در محدوده کاهش کیفر و نیز بحث مشارکت قراردادکنندگان جرم در تعیین کیفر در نظام عدالت کیفری ایران به‌خصوص در سیاست‌های مربوط به کیفر، چه قبل از دادرسی و چه در زمان دادرسی و حتی گاهی پس از آن نیز شکل گرفته است. سیستم عدالت کیفری برای کیفرزدایی و مقابله با پدیده مجرمانه نمی‌تواند به علم جرم‌شناسی بی‌توجه باشد. بنابراین یکی از مباحث پراهمیت از دستاوردهای جرم‌شناسی توافقی شدن کیفر است که زیربنای علمی و مدیریتی دارد.

توافقی‌شدن آیین دادرسی کیفری راهبرد جدیدی در قلمرو سیاست جنایی به‌حساب می‌آید. این اصطلاح با عنوان قراردادی‌شدن آیین دادرسی کیفری نیز ذکر می‌گردد (آلت مئس، ۱۳۸۵: ۱۲۱). در این خصوص می‌توان توافقی‌شدن آیین دادرسی کیفری یک تعهد دوسویه بین مقام قضایی و بزهکار است که بعد از ایجادشدن توافق، الزام‌ها و تعهدهایی را برای طرفین برقرار می‌سازد (نیازپور، ۱۳۹۹: ۳۹). شایان ذکر است مقصود از توافقی‌شدن به تنهایی موافقت و سازگاری و با یکدیگر موافق‌شدن است (عمید، ۱۳۹۳: ۷۷۴). منظور از این توافق در حیطه آیین دادرسی کیفری نظارت بر وضعیت تعیین پاسخ و سرنوشت تعقیب دعوی کیفری است (نیازپور، ۱۳۹۹: ۴۲).

توافقی‌شدن یک تدبیر مفید درجهت کاستن از بار منفی اجراهای کیفر می‌باشد، چراکه همچنان پاسخ‌های کیفری در متن قوانین باقی مانده است. توافقی‌شدن با دیدگاه مثبت و زنده موجب ترمیم خسارات و ادای دین بزهکار به قربانیان جرم می‌باشد و درنهایت کنشگران جرم را به‌سمت اصلاح و باسازگاری جسمی و روحی، روانی هدایت می‌کند. با ظهور توافقی‌شدن در سیستم عدالت کیفری نوین این پرسش مطرح می‌شود که آیا توافقی‌شدن آیین دادرسی کیفر را در کدام مرحله فرایند کیفری قابل رؤیت است و موجب کاهش پاسخ‌ها کیفری می‌شود؟ توافقی‌شدن غالباً از منظر حقوق و آزادی‌های کنشگران جرم مورد بررسی قرار می‌گیرد، بدین مضمون راهبردی است که به‌طور رسمی در درون نظام

عدالت کیفری درجهت افقی‌نمودن دادرسی کیفری می‌انجامد و سیاست‌گذاران جنایی علی‌رغم استفاده محض از سلاح کیفر در پاسخ‌دهی به کیفر تحولاتی را در پاسخ‌دهی به کیفر به عمل آورده‌اند. استفاده از ضمانت اجراهای انضباطی در پاره ای از موارد به‌جای کیفر، از راهبردهای اولیه این دستاورد محسوب می‌شود و در مراحل بعدی اقداماتی چون تعویق مراقبتی، محرومیت از حقوق اجتماعی و ... مطرح شد و مورد پذیرش بسیاری از سیاست‌گذاران قرار گرفت، به این ترتیب، تخفیف در مجازات تقنینی که در سیاست‌های قانون‌گذار و تصمیم‌های قضایی ریشه دارد، کاهش میزان کیفر گویند (نوربها، ۱۳۸۰: ۱۰). پاسخ‌های کاهنده کیفر در پرتو توافقی‌شدن آیین دادرسی که تاکنون در سیستم عدالت کیفری در میان قوانین دیده نشده است را بدون شک می‌توان در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ اصلاحی ۱۳۹۴ و قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ یافت. در این مقاله با توجه به اهمیت بحث تمهیدات کاهنده کیفر در پرتو توافقی‌شدن آیین دادرسی در مراحل پیش‌دادرسی و دادرسی پرداخته می‌شود.

۱- روش‌های عملی توافقی‌شدن آیین دادرسی کیفری در راستای تمهیدات کاهنده پاسخ کیفری

باتوجه به قوانین جزایی مصوب ۱۳۹۲ خوشبختانه در برخی موارد استفاده از سازوکارهایی به‌وسیله دستگاه قضایی در مراحل قبل از دادرسی، حین دادرسی و بعد از آن مشخص گردیده است، ضمناً در اینجا باید گفت ذکر این موارد دلیل این موضوع نیست که معایب دادرسی کیفری در باب برخی از جرایم زیر سؤال برود، بلکه هدف از ذکر روش‌های کاهنده کیفر برتری مباحث جرم‌شناسانه‌ای، مانند عدالت ترمیمی و توافقی‌شدن آیین دادرسی کیفری است که در پرتو آن سیستم عدالت کیفری از حالت دستوری‌بودن محض پس‌روی کرده و به‌سمت پذیرش انعطاف در عرصه عدالت کیفری پیش رفته است (گلدوست جویباری و نیازپور، ۱۳۹۰: ۹۱). خروجی توافقی‌شدن پیش‌بینی سازوکارهای این عدالت در رسیدگی قضایی است که باعث شده است در دادگاه‌ها مورد توجه واقع شود. به‌طور کلی باید گفت که در حال حاضر، به‌دلیل عدم موفقیت حداکثری اقدامات قضایی، مانند افزایش پرونده‌های کیفری و جمعیت زندانیان، طولانی‌شدن دادرسی و عدم

است و نقش عمده‌ای در جهت‌گیری ضمانت اجراها به ترمیم و جبران خسارات واردشده دارند (کوشکی، ۱۳۸۹: ۲۳۲). در ادامه روش‌های توافقی‌شدن آیین دادرسی کیفری قبل از دادرسی و حین آن و بعد از آن در جرایم به‌طور اجمالی مورد بررسی قرار گرفته است. بنابراین هرچه دامنه و آثار این جایگزین‌ها عرصه بیشتری از محیط رفتاری مجرم را دربر گیرد، به همان اندازه می‌تواند درجهت ترمیم و جبران خسارت علیه بزه‌دیده از یک‌سو و ترمیم و جبران بین مجرم و جامعه مفید و مثمر ثمر باشد. در ادامه روش‌های توافقی‌شدن آیین دادرسی کیفری قبل از دادرسی و حین آن به‌طور اجمالی مورد بررسی قرار گرفته است.

۲- روش‌های عملی در مرحله پیش از دادرسی در راستای توافقی‌شدن آیین دادرسی کیفری

روش‌های عملی قبل از دادرسی به تفکیک در مباحث ذیل مورد تحلیل و بررسی واقع می‌شود.

۱-۲- روش اداری، قضایی

مورد بارز روش اداری قضایی در قوانین مصوب ۱۳۹۲، روش بایگانی‌کردن پرونده است که این فعل در باب مواردی، مانند تعهد بزه‌کار به انجام اقداماتی، مانند رجوع به مراکز اصلاحی، درمانی و ... انجام می‌شود. صدور قرار بایگانی‌نمودن پرونده در قوانین سابقه‌ای ندارد و برای نخستین‌بار است که مقنن ایران با مد نظر قراردادن نظام دادرسی فرانسه اقدام به صادرنمودن چنین قرار می‌نموده است. ماده ۸۰ قانون آیین دادرسی کیفری به این قرار توجه نموده و آن را شامل جرایم تعزیری درجات هفتم و هشتم مطرح و عنوان شد در صورت عدم حضور شاکی یا فوت شاکی و در صورت عدم سوءپیشینه مؤثر، مرجع قضایی می‌تواند با رعایت سایر شرایط این دستور را صادر کند.

مقنن در ماده ۸۰ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ به این نهاد ارفاقی را با «شرط‌های خاص» قبول نموده و اعمال آن را فقط به مقام قضایی اعطا نموده است. به این معنا که ضابطان دادگستری این حق را ندارند، زیرا که مقام قضایی (دادستان) قادر است با به‌دست‌آوردن شرط‌های درج شده در ماده مذکور، این فعل را اعمال کند که جنبه تخیری

رعایت حقوق بشری و عدم رعایت کرامت انسانی ...، سیاست گذاران جنایی را متقاعد نمود که به‌سمت حداقل‌نمودن رویه‌های تعقیب کیفری سوق دهد و در شیوه پاسخ‌دهی کیفر تغییراتی را به‌عمل آورد و در پاره‌ای از موارد از ضمانت اجرای اداری، قضایی و مدنی به‌جای ضمانت اجرای کیفری استفاده کند (حاجی ده‌آبادی و نیک‌نسب، ۱۳۹۷: ۷۴). در نتیجه این رویکرد توافقی‌شدن، جایگزین‌های تعقیب کیفری است که می‌توان آن را مجموعه‌ای از راهبردها دانست که به‌موجب آن دادستان در دادسرا و قاضی در دادگاه می‌تواند پس از مطالعه پرونده و با در نظرگرفتن شرایط بزه دیده و متهم، مصلحت جامعه و ضرورت تعقیب و ... از این تشریفات استفاده کرد و مجرم به‌طور دائم یا موقتاً رسیدگی او در مراحل دادرسی متوقف نماید.

در زمره تدابیر تعلیق تعقیب، میانجی‌گری کیفری، تعویق و بایگانی‌کردن پرونده قابل ذکر است. در حقوق ایران تا به امروز رویکرد اجباری تعقیب ارجح‌تر بوده و بسیار اندک از راهبردهای کامل‌کننده یا قائم‌مقام تعقیب استفاده گردیده است، ولی قوانین کیفری مصوب ۱۳۹۲، نویددهنده مقررات مطلوبی درجهت عدول از تعقیب کیفری سنتی و افزایش اختیارات دادستانی در قالب جایگزین‌های تعقیب کیفری است (نورپور، ۱۳۹۲: ۲۲).

اهمیت جایگزین‌های تعقیب به مقادیری است که آن را اقداماتی جداگانه و روشی مستقل برای اقامه‌نمودن دعوی محسوب نموده‌اند. اصل ضرورت تناسب در ارائه‌دادن پاسخ قضایی سبب برقراری تنوع و تعدد شیوه‌های پاسخ‌دهی می‌گردد. جایگزین‌های تعقیب دعوای عمومی منطبق با قضازدایی و عدالت محلی است و در واقع درصدد نزدیک‌کردن اجتماع با نظام عدالت کیفری است. دادستان زمانی به اقدامات مذکور توسل پیدا می‌کند که جرایم ارتكابی شدید نباشد، درحقیقت جایگزین‌های مذکور سبب برقراری تحول در حقوق کیفری سنتی گردیده است. برخلاف شیوه‌های سنتی حل‌وفصل جرایم که به‌دنبال تحلیل و بررسی در مورد جرم ارتكابی است، درحقیقت جایگزین‌های تعقیب دعوای عمومی حد وسط کیفر و بایگانی‌کردن پرونده بدون هیچ قید و شرط

قابل گذشت امکان‌پذیر است. شایان ذکر است براساس قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ امکان صدور قرار تعویق تعقیب دعوی کیفری درباره جرم‌های مستوجب قصاص نیز پیش بینی گردیده است و حتی جرم‌های مستوجب دیه هم مشمول صدور قرار تعویق تعقیب می‌گردد و براساس ماده ۸۰ قانون آیین دادرسی کیفری موافقت بزه‌دیده، از جمله شرایط صدور قرار تعویق تعقیب دعوی کیفری است. موافقت بزه‌دیده برای صدور این قرار اهمیت زیادی است و این موافقت در ماهیت تصمیم دادستان بسیار تأثیرگذار است (نیازپور، ۱۳۹۹: ۲۱۵). در مجموع این موضوع یکی از نوآوری‌های قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ می‌باشد که قبل از این در نظام حقوقی ایران سابقه نداشته است.

۲-۲-۲- تعلیق تعقیب

تعلیق سازوکاری است که سیستم کیفری برای سازش و مساعدت تعیین کرده است، به طوری که مجرم می‌تواند طی شروطی چون نداشتن سابقه کیفری، جبران خسارت بزه‌دیده، رضایت بزه‌دیده و ... توانایی بازگشت به زندگی اجتماعی بدون مجازات را تضمین کند. تعلیق تعقیب که به موجب ماده ۸۱ قانون آیین دادرسی کیفری معافیت موقت محسوب می‌شود و مربوط به اجرای دستورات دادگاه در مدت مقرر است که زمینه را برای شخصی‌سازی مجازات با شخصیت مجرم ایجاد می‌کند و ارتباط مستقیم و نزدیک با نوع جرم و مجازات مقرر در قانون مجازات اسلامی دارد. به عبارت دیگر دادگاه قادر به تعلیق تمام مجازات‌ها نیست. معافیت قطعی مجرم برای عدم اجرای حکم با توقف اجرای حکم، با حسن رفتار محکوم‌علیه براساس حکم دادگاه در مدت توقف ارتباط دارد. در قوانین کیفری تنها مجرمانی که سابقه کیفری ندارند و مرتکب جرم با میزان مجازات کم، قابل مجازات شده‌اند، مشمول این بورسیه می‌شوند. چنانچه در مدت تعلیق قانونی مجرم مجدداً مرتکب جرم شود، حکم تعلیق خاتمه می‌یابد.

جرم‌شناسان بر این باورند که با پذیرش فلسفه جدید مجازات که تأمین نظم عمومی و اصلاح مجرم از طریق ارعاب، آموزش و تربیت است، در برخی موارد مجازات و تحمیل عسر و حرج جسمی یا ضرر مالی بر مجرم سازگار نیست. فلسفه

برای مقام قضایی دربر دارد و از مفهوم مخالف، این‌گونه برداشت می‌گردد که برای مقام قضایی دارای جنبه تکلیفی و اجباری نیست و درحقیقت موقعیتی قانونی است که قانون‌گذار برای مرتکبان خاص مد نظر قرار داده است.

در مورد وضعیت بایگانی کردن پرونده و چگونگی آن در جرایم باید گفت دادستان بعد از اخذ تصمیم مبتنی بر تعقیب نکردن دعوا دستور ضبط شدن آن را در بخش‌های دادرسی می‌دهد، درحقیقت دستور دادستان به ثبت و ضبط پرونده قضایی، کیفری موجب بایگانی در دادرسی می‌شود. این شیوه در اکثر موارد نسبت به جرایم کم‌اهمیت و بزه‌کاران بدون سوابق کیفری مورد استفاده قرار می‌گیرد. تعیین شیوه بایگانی نمودن پرونده در کلیه جرایم که مشمول مجازات درجه ۷ و ۸ تعزیری هستند، به اختیار دادستان بستگی دارد. دادستان در أخذ این روش مختار است و می‌تواند پس از بررسی وضعیت پرونده قرار مذکور را صادر کند، ضمناً این قرار ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ، قابل اعتراض در دادگاه کیفری مربوط است و به واقع دادستان قادر است با استناد به شرایط ناظر به جرم انجام‌شده نسبت به شروع تعقیب دعوی کیفری و یا صادر نمودن قرار بایگانی کردن تصمیم‌گیری نماید.

۲-۲-۲- روش کیفری، قضایی

در زمره روش‌های کیفری، قضایی که در این فرایند باید مد نظر قرار گیرد و می‌توان به‌عنوان تمهیدات کاهنده در مرحله پس‌دادرسی با رویکردی قضایی - کیفری در نظر گرفت، مصادیقی چون تعویق تعقیب، تعلیق تعقیب و ترک تعقیب اشاره کرد که در ذیل هریک به فراخور موضوع بررسی می‌گردد.

۲-۲-۱- تعویق تعقیب

مقصود از تعویق تعقیب به تأخیرانداختن آن است که از جمله روش‌های تأثیرگذار در توافقی شدن آیین دادرسی کیفری است که بنابر آن، دادستان با موافقت متهم تعقیب دعوا را برای زمان معین به تأخیر می‌اندازد. صدور این قرار وابسته به اراده طرفین و همچنین دادستان است. این قرار در جرایم تعزیری درجه شش تا هشت که قابلیت تعلیق دارند، امکان‌پذیر است. این قرار هم در مورد جرایم قابل گذشت و هم غیر

مقصود از روش بازنگری، قضایی مواردی مانند میانجی‌گری است که در این روش برای رسیدگی بهتر قضایی، صلح و سازش طرفین، اصلاح مجرم، جبران خسارت بزه‌دیده و ... می‌باشد، در واقع باید گفت شاید در نگاه اول رجوع به محاکم دادگستری مؤثرتر به نظر بیاید، اما غالب افراد بعد از مراجعه و گذراندن سختی‌های مختلف در عموم موارد به این نتیجه می‌رسند با مذاکره و گفتگو یا رجوع به نهاد یا اشخاص مورد قبول فرد مقابلشان زودتر به نتیجه دلخواه خود خواهند رسید.

امروزه حقوق کیفری به‌ویژه در مراحل دادرسی به‌موجب قانون آیین دادرسی کیفری به نهادهای میانجی‌گری توجه خاصی صورت می‌گیرد و به نقش غیرقابل انکار جامعه مدنی در فرآیند میانجی‌گری‌های کیفری اشاراتی داشته است که همین موارد سبب گردید آیین‌نامه اجرایی میانجی‌گری در امور کیفری در سال ۱۳۹۴ تصویب شد و در نهایت به پیشنهاد وزیر دادگستری این آیین‌نامه با تعاریف و موارد مهم در ۳۸ ماده به تصویب رییس قوه قضاییه رسید، مانند مورد ارجاع به میانجی‌گری، انتخاب و شرایط آن و وضعیت تأسیس و نظارت مؤسسات و تکلیف مشخص شده است.

تصویب این نظام، موانع عملی ارجاع موضوع به میانجی‌گری در دادرسی کیفری را برطرف می‌کند. بنابراین اگر قضات شاغل در دستگاه قضایی نیز از یافته‌های جدید جرم‌شناسی با این موضوع آشنا باشند و به کاربرد عملی آن معتقد باشند، برای اکثر جرایم جزئی، می‌توان پرونده را از روند معمول قضایی خارج کرد و با جرم‌زدایی، پرونده کیفری خارج از سیستم قضایی حل و فصل می‌شود (حجتی، ۱۳۹۴: ۱۵). همان‌طور که در ماده ۲ این قانون تصریح شده است: «موضوعات مربوط به میانجی‌گری در هر دادسرا یا دادگاهی با نظارت دادستان عمومی، دادستان انقلاب یا رییس مرجع قضایی محل تنظیم می‌شود.» مدعی‌العموم یا رییس دیوان می‌تواند این وظیفه را به یکی از معاونان وی ارجاع دهد. بنابراین آن‌چه برآیند این ماده و دیگر مواد این آیین‌نامه می‌باشد، تمهیداتی است که به عنوان صورت عینی آیین دادرسی توافقی، حتی قبل از مرحله دادرسی بین مجرم و سیستم قضایی با زکاو دادستان صورت می‌پذیرد.

جدید مجازات و گاهی تناقض نیز وجود دارد. بنابراین بهتر است مشخص شود که چگونه اهداف جدید برای مجازات بهتر و در دسترس‌تر هستند.

۲-۲-۳- ترک تعقیب

قرار ترک تعقیب از جلوه‌های عدالت ترمیمی است که در ابتدا در ماده ۱۷۷ قانون آیین دادرسی کیفری دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۸ عنوان شد و این‌گونه مقرر شده بود که: «در صورت تقاضای ترک پرونده، دادگاه قرار ترک محاکمه را صادر می‌کند و این مانع از تشکیل پرونده جدید نمی‌باشد.» همان‌گونه که روشن است، ابهامات زیادی در مفاد این تبصره مشاهده می‌شود و این که در چه جرایمی می‌توان تقاضای ترک محاکمه و تا چه زمانی می‌شود به صورت مجدد تقاضای رسیدگی نمود و مراجع صالح چه مراجعی هستند که می‌توانند قرار ترک تعقیب را صادر نمایند؟ بعد از احیای دادسراها وضعیت ترک تعقیب سؤالی بود که مطرح شد و این که آیا تنها دادگاه بدوی چنین حقی را دارد و یا در دادگاه تجدید نظر نیز امکان صدور آن وجود دارد؟ ماده ۷۹ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ پاسخی برای سؤالات مطرح شده بود و در این ماده عنوان شده است: در جرایم قابل گذشت شاکی قادر است تا پیش از صادر نمودن کیفرخواست ترک تعقیب را تقاضا نماید و در این شرایط دادستان قرار ترک تعقیب را صادر می‌نماید، شاکی می‌تواند تعقیب مجدد متهم را فقط برای یک‌بار تا یک‌سال از صادر نمودن قرار ترک تعقیب درخواست نماید. تنها در جرایم قابل گذشت قابل صدور است، آن هم در صورت تقاضای شاکی و در مدت زمانی پیش از صدور کیفرخواست که این موضوع نیز از وظایف دادستان است، اما دادیاران و معاون دادستان با موافقت دادستان می‌توانند قرار ترک تعقیب صادر نمایند، اما بازپرس این حق را نداشته و چنان‌چه تمایل داشته باشد باید تقاضای ترک تعقیب را از دادستان انجام دهد و دادستان این قرار را صادر می‌نماید، البته در جرایمی که به صورت مستقیم به دادگاه ارسال می‌گردند؛ در صورت وجود شرایط قانونی می‌توانند قرار ترک تعقیب صادر نمایند.

۲-۳- روش بازنگری، قضایی

۲-۴- روش‌های سالب آزادی در مرحله قبل از دادرسی و جایگزین‌های آن

آزادی شهروندان از مصادیق بنیادین حقوق بشر است و احترام به آن در تمام عرصه‌های عدالت کیفری از اهمیت بالایی برخوردار می‌باشد، از همین رو نمی‌توان آزادی افراد را به آسانی سلب نمود (مسعود، ۱۳۷۴: ۶). صدور قرار سلب آزادی یا بازداشت موقت که در ماده ۲۱۷ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ و همچنین مواد ۲۳۷ و ۲۳۸ قانون آیین دادرسی کیفری به‌طور گسترده‌تری شرایطی به‌عنوان شدیدترین نوع قرار تأمین کیفری و تصمیم قضایی برای متهم به حساب می‌آید که صدور این قرار در مرحله قبل از دادرسی به دلایلی مانند جلوگیری از فرار متهم، تبانی با همکارانش در ارتکاب جرم و ... انجام می‌شود (آشوری، ۱۴۰۰: ۲۱)، البته این قرار در اینجا با اصل برائت مغایرت زیادی دارد و سبب بدبینی نسبت به متهم می‌شود و ترس از زندانی شدن را از بین می‌برد و همچنین هزینه‌های زیادی برای دولت و کشور ایجاد می‌کند و باعث پیدایش خلل در روند زندگی فرد می‌شود و سبب می‌شود که اشخاص دارای شغل و پیشه برای مدتی شغل خود را از دست بدهند و حتی پس از صدور رأی برائت بیکار بمانند (نیازپور، ۱۳۹۹: ۲۲۰).

براساس یافته‌های جرم‌شناسی در زمان حاضر دست‌اندرکاران عدالت کیفری تلاش می‌کنند سیاست جنایی را اتخاذ کنند که به‌جای قرار سالب آزادی از قرارها نظارت قضایی استفاده شود، زیرا قرار نظارت قضایی از جایگزین‌های قرار سالب آزادی است قرار نظارت قضایی برای اصلاح خود متهم است، ضمناً ضمانت از حقوق بزه‌دیده نیز به‌عنوان هدف مشترک بین هر دو قرار تأمین کیفری و نظارت کیفری مشخص شده است. نظارت قضایی بعضاً مربوط به آزادی جابه‌جایی متهم است که به‌علت جلوگیری از فرار متهم مورد استفاده قرار می‌گیرد و بعضاً این تکالیف برای ضمانت حضور شخص متهم در زمان احضار از سوی هر مقام یا شخص صلاحیت‌داری که بازپرس یا قاضی آزادی‌ها و بازداشت تعیین می‌کند، مورد اعمال قرار می‌گیرد. علاوه بر این تکالیف مربوط به معاشرت‌هایی که شخص متهم می‌تواند داشته باشد نیز در این دسته قرار می‌گیرد. اقدامات کنترل قضایی و الزامات

ناشی از آن با اهداف حمایت از متهم و بازپروری او و ضمناً حمایت از جامعه و قربانیان جرم نیز، اعمال می‌گردند. قاعده عمومی این‌گونه است که متهمان در جریان تحقیقات مقدماتی به‌صورت کامل آزاد باشند و تنها در موارد پیش‌بینی شده در قانون آن را محدود کرد، لذا بازپرس براساس قاعده فوق به صدور قرار نظارت قضایی می‌پردازد. قرارهای نظارت قضایی انواع متفاوتی دارند و در تمام آن‌ها تعهدات و تکالیفی بر متهم تحمیل می‌شود که مقام قضایی باید تکالیف را به شکل فردی مشخص کند و هیچ تکلیف مشترک و گروهی به همه متهمان تحت نظارت وجود ندارد و از طرفی مقام قضایی مطابق اصل قانونی بودن جرم و مجازات فقط می‌تواند تعهدات تعیین‌شده در قانون را به متهم تحمیل کند. بنابراین قرار نظارت قضایی از پاسخ‌های کاهنده کیفر است که روش مناسب‌تری برای توافقی شدن آیین دادرسی کیفری است.

۲-۴-۱- پذیرفتن بزه توسط بزه‌کار

پذیرفتن بزه توسط بزه‌کار، پذیرشی است که برحسب آن دادستان و متهم درباره اقرار به مجرمیت و وضعیت کاهش میزان کیفر به توافق می‌رسد و این پذیرش قدمی است به سوی توافقی شدن آیین دادرسی کیفری؛ چنان‌چه تأثیر توبه که آموزه شرعی و فقهی است، درجهت پذیرش بزه‌کاری در جرایم مستوجب حد به‌موجب ماده ۱۱۴ قانون مجازات اسلامی توبه در جرایم حدی به جز قذف و محاربه قبل از اثبات جرم موجب ساقط شدن حد می‌گردد و حتی توبه مجرم بعد از اثبات جرم در صورت درخواست رییس قوه قضاییه به رهبر از موجبات عفو متهم محسوب می‌شود. بنابراین توبه بستر مناسبی برای برقراری توافقی شدن آیین دادرسی کیفری در مرحله تعیین پاسخ‌ها به حساب می‌رود، به این صورت که میان مقام قضایی و بزه‌کار توافقی حاصل شده و بزه‌کار را شایسته ارفاق به‌شمار می‌آورد که گویای پشیمانی اوست، ضمناً تأثیر توبه در جرایم تعزیری به‌موجب ماده ۱۱۵ قانون مجازات اسلامی بیان شده که مقام قضایی با پیشنهاد توبه و ندامت مجرم و پذیرش آن توسط بزه‌کار نسبت به اسقاط آن تصمیم بگیرد. این سازوکار با رویکرد فقهی موجب بسترسازی توافقی شدن آیین دادرسی کیفری درجهت کاهش پاسخ‌های کیفری شده است.

نظام‌های حقوقی نسبت به مجرم جنبه اصلاحی دارد و برخلاف گذشته، مجرم صرفاً به‌عنوان یک عنصر فاسد و ضداجتماعی تلقی نمی‌شود. با گسترش و رسوخ این طرز تفکر و با شناخت بهتر مجرمان براساس مبانی حقوق جزا و جرم‌شناسی، فلسفه مجازات نیز تغییر کرده و عرصه عدالت قضایی هموارتر از گذشته شده است.

در مسیر این طرز تفکر و تحولات بوده است که عده‌ای از علمای حقوق جزایی و جامعه‌شناسان بر این عقیده بوده‌اند که شاید بهتر باشد در پاره‌ای از موارد مجازات به تعویق بیافتد و این مجازات اجرا نشود، مگر آن‌که محکوم‌علیه خود را با شرایطی که از طریق قانون‌گذار و محکمه برای استفاده او از تعویق مقرر داشته‌اند، منطبق نسازد و درجهت خلاف آن‌چه که برای او تعیین شده است، گام بردارد. این تأسیس حقوقی که آن را تعویق مجازات می‌نامند، در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مقنن در فصل پنجم ماده ۴۰ تا ۴۵ عنوان نموده است. در طول جریان دادرسی قاضی از ابتدای رسیدگی تا زمان صدور حکم قطعی امکان دارد از نهادهای گوناگونی برای تعویق و یا تخفیف مجازات استفاده کند که هدف از استفاده از همه نهادهای مزبور در مجموع برگشت بزهکار به جامعه و اصلاح نهایی اجتماع به‌وسیله دستگاه قضایی است و این برخورد خود نوعی ترسیم و اصلاح ساختارهای رفتاری افراد جامعه به‌حساب می‌آید.

قاضی قادر است در صورت شرایط شکلی و احراز مراتب چهارگانه ماده ۴۱ و تبصره آن با قرار صدور تعویق موافقت و آن را معوق کند و به‌صورت حضوری قرار تعویق صدور حکم صادر می‌شود. تعویق صدور حکم اصطلاحی حقوقی است که قانون‌گذاران، در غالب موارد از آن استفاده می‌کنند، به این معنا که تحت اوضاع و احوالی خاص این امکان وجود دارد که مصلحت اقتضا کند که باوجود عناصر مجرمانه صدور حکم به تعویق افتد. این تعویق به این معنا است که دادگاه قادر است بعد از احراز مجرمیت با توجه به شرایط مجرم، صدور حکم را از مدت ۶ ماه تا ۲ سال به تعویق اندازد که این امر نیز درخصوص اصل فردی کردن مجازات‌هاست (بخشی‌زاده، ۱۳۹۲: ۳۱۲).

۲-۴-۲- تعمیم نهاد معامله اتهام در پرتو توافقی‌شدن آیین دادرسی

منظور از معامله اتهام، روشی است که به‌موجب آن دادستان و متهم درخصوص نوع و میزان اتهام با یکدیگر مذاکره می‌کنند. دادستان و متهم دو بازیگر اصلی چانه‌زنی در اتهام هستند و سازش باید میان آن‌ها انجام گیرد تا پیامدهای آن در فرآیند رسیدگی کیفری روشن شود، البته دادگاه باید متهم را از عواقب احتمالی پذیرش مجرمیت و اعتراف به جرم خویش آگاه سازد و اثبات کند که مبنای واقعی برای اعتراف وجود دارد و اطمینان حاصل کند که این اعتراف داوطلبانه بوده و اجباری در کار نیست، ضمناً هرچند نمی‌توان بزه‌دیده را دارای نقش در معامله اتهام دانست، اما با این حال بزه‌دیده می‌تواند با درخواست ترمیم زیان خویش شرط‌هایی برای دادستان بگذارد یا با گذشت خویش مهربانی‌هایی را در حق متهم روا دارد. معامله اتهام ترازویی را ایجاد می‌کند که کفه کارایی و سودآوری بر کفه عدالت و سزادهی افزایش زیادی دارد (عباسیان و عالی‌پور، ۱۳۹۴: ۲۳۱)، البته نباید فراموش کرد که مجرم نیز اگرچه در این فرآیند شخصیتی مقصر محسوب می‌گردد، اما ابتدائاً فردی از آحاد جامعه بوده و سودمحوری حاصل از توافقی‌شدن ممکن است موجبات عدالت را در وی ایجاد کرده و با دورنگه‌داشتن مجرم از فرآیند دادرسی مسیری نوین و درست را در زندگی وی ترسیم کند. مسأله‌ای که پیوندی ناگسستنی با عدالت و مؤلفه‌های آن دارد.

۳- روش‌های عملی در مرحله پیش از دادرسی در راستای توافقی‌شدن آیین دادرسی کیفری

توافقی‌شدن در مرحله دادرسی به این صورت است که مقام قضایی می‌تواند پس از توافق با بزهکار نسبت به چگونگی پاسخ‌ها در هریک از این مراحل تصمیم‌گیری کند.

۱-۳- تعویق صدور رأی

تعویق صدور رأی در دادرسی و قبل از تعیین مجازات نیز امکان‌پذیر است، چراکه فلسفه مجازات به‌طور کلی تغییرات و تحولات زیادی را پشت سر گذاشته است. رویکرد حاکم در

از جرم تحصیل شده، مؤثر باشد، می‌توان اقدام به کاهش میزان کیفر نمود.

در جرایمی که در دادگاه مورد بررسی قرار گرفته است، صدور جایگزین برای مجازات قادر است تأثیرات زیادی داشته باشد که به این جایگزین‌ها در مباحث ذیل پرداخته شده است.

۳-۲- محرومیت از حقوق اجتماعی

یکی از مصداق‌های واکنش در برابر جرم و بزهکاری محرومیت از تمام یا برخی از حقوق و مزایای اجتماعی است. منظور از حقوق اجتماعی، حقوقی است که جهت رفع تبعیض‌های اجتماعی و اقتصادی برای شخص شناخته شده است و شامل حقوق سیاسی، عمومی و آزادی در فعالیت‌های گوناگون سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است که هر فرد به‌موجب داشتن آن‌ها و به‌عنوان عضوی از جامعه، حق دارد در سرنوشت اجتماعی خویش دخالت کند، در اداره قوای عمومی جامعه و ارکان اقتصادی، فرهنگی و سیاسی آن مشارکت نماید و حقوق و آزادی‌های مشروع خود را در صحنه اجتماع اعمال کند (دانش‌پژوه، ۱۳۸۸: ۱۱). بنابراین در نظام حقوقی کشور ما محرومیت از حقوق اجتماعی به‌عنوان مجازات جایگزین حبس، در ماده ۶۴ ق.ا.م. ۱۳۹۲ به‌عنوان یکی از اقسام مجازات‌های جایگزین حبس احصا گردیده، اما قانون‌گذار در هیچ‌یک از مواد فصل نهم از بخش دوم کتاب اول این قانون، برخلاف سایر مجازات‌های جایگزین حبس، هیچ اشاره‌ای به این مجازات، یعنی محرومیت از حقوق اجتماعی و احکام و شرایط اختصاصی نکرده است.

همچنین باید خاطر نشان کرد، اگرچه هدف وفاق سیستم عدالت کیفری با گشایش مسیری نو برای مجرم می‌باشد، اما مخاطراتی نیز باید در این زمینه متحمل شد، چراکه محرومیت بعضی از افراد از یک‌سری حقوق و مزایای اجتماعی می‌تواند منجر به ضرر به دیگر افراد شود، یعنی این‌که اگر فردی متخصص در کاری به‌جهت محرومیت از حقوق اجتماعی نتواند در شغل مورد نظر به ایفای وظایف بپردازد، انجام وظیفه نماید، باعث ضرر رساندن به سایر افراد می‌شود که نیازمند به تخصص و حرفه او می‌باشند. این انتقاد می‌تواند تا حدودی منطقی و اصولی باشد، ولی بیشتر مواقع

شایان ذکر است نهادهایی در قانون مجازات اسلامی پیش بینی شده که برحسب آن قاضی می‌تواند بعد از شناخت گناهکاری متهم از طرف دادگاه، مجازات زندان را برای وی در نظر نگیرد. تعویق و تخفیف در مجازات‌های جایگزین زندان، یکی از نوآوری‌های قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ است، چراکه تغییر قوانین براساس مقتضیات زمان امری تأثیرگذار و ضروری است (عامری و صادقی، ۱۳۹۲: ۵). قلمرو قرار تعویق مراقبتی بنابر ماده‌های قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ به‌شکل گسترده‌ای پیش‌بینی گردیده است، به این شکل که براساس آن نسبت به جرم‌های تعزیری درجه شش نیز می‌توان از قرار مذکور استفاده کرد.

اما قانون‌گذاران در قانون مجازات اسلامی، برای صدور قرار مزبور رویکرد انقباضی را مد نظر قرار داده و آن را به تعدادی از انواع جرم‌های تعزیری محدود کرده است، از جمله روش‌های عملی توافقی‌شدن آیین دادرسی کیفری می‌توان به توقف کیفر اشاره کرد. به‌طور مثال جرم خانوادگی توسط فردی صورت می‌گیرد که مراتب بالایی از منظر شغلی و ... دارد و علاوه بر این فاقد سوء‌پیشینه کیفری و دارای سوابق درخشانی است، لذا چنانچه به‌طور مثال عملی به دلایل مختلف در خانواده به‌وسیله وی انجام شود، عموماً به چشم یک بزهکار حرفه‌ای به او نگاه نمی‌شود و طبعاً مجازات صادر نمی‌شود یا برای پسری که گاوصندوق پدر را خالی کرده، عموماً مجازات زندان مناسب نیست و چنانچه پدر تمایل به تنبیه وی به این صورت داشته باشد، عموماً صدور تعلیق مناسب‌تر است و دادگاه در زمان صدور حکم تعلیق اثرات عدم تبعیت از دستورهای دادگاه را به‌صورت صریح به وی اعلام و به او تفهیم خواهد نمود که اگر در مدت تعلیق مرتکب جرمی با محکومیت مؤثر شود، علاوه بر مجازات جرم اخیر مجازات معلق نیز درباره او اجرا خواهد شد. این درحالی است که علاوه بر توقف می‌توان به مجازات نیز اشاره کرد. بنابراین کاهش میزان کیفر نیز می‌تواند در جرم‌های خانوادگی و بین خویشاوندان سودمند باشد. به‌طور مثال در جرم سرقت از خانه که به‌وسیله پسر خانواده و دوستانش اتفاق افتاده است، در صورتی که اظهارات و راهنمایی‌های متهم در شناختن شرکا و معاونان جرم و یا کشف اشیایی که

روی اطرافیان تأثیر منفی داشته و آن‌ها را به سمت انحراف سوق دهد. این حالت زمانی که ارائه خدمت در ارتباط با نوجوانان و جوانان باشد، خطر بیشتری را تهدید می‌کند و مردم با فرد محکوم به خدمات عام‌المنفعه برخورد مناسبی نخواهند داشت و با رفتارهای ناپسندیده مجرمین را تحقیر کرده و سبب موجب آزار و اذیت آنان می‌شوند، حتی نهادها و مؤسسات به آسانی متهمین را درجهت انجام خدمات نمی‌پذیرند (احمدی، ۱۳۸۸: ۶۲). به هر حال جدا از بحث آثار منفی این رویکرد تمهیدی است که نویسندگان سیستم کیفری ایران در فصل دهم از کتاب اول کلیات در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ وارد نمودند و می‌توان کماکان این نگرش را در سیستم عدالت کیفری به‌همراه گستردگی معامله منصفانه در فرایند دادرسی را از موجبات پیوندی مترقیانه علمی‌شدن حقوق کیفری دانست که می‌توان به‌خوبی در مقررات کیفری متبلور دانست.

نتیجه‌گیری

ماحصل آن‌چه در فلسفه تمهیدات کاهنده در مرحله پیش‌دادرسی و فرایند دادرسی جهت توافقی‌شدن آیین دادرسی کیفری می‌توان عنوان کرد، اتفاق درستی است که در پرتو چالش‌های مباحث کیفری و عدم کارایی پاسخ‌های کیفری مطرح شد. توافقی‌شدن آیین دادرسی کیفری که از دستاوردهای مفید و کارآمد جرم‌شناسی می‌باشد، راهبردی است که سیاست‌گذاران جنایی آن را وارد قلمرو حقوق کیفری کرده‌اند. در پرتو رویکرد توافقی‌شدن آیین دادرسی کیفری مقام قضایی و بزه‌کار می‌توانند با همکاری و اراده یکدیگر در تمام مراحل دادرسی در پاسخ‌دهی نسبت به تعیین سرنوشت دعوی کیفری تصمیم‌گیری جامع و مفیدی داشته باشند. بنابراین شیوه پاسخ‌دهی به کیفر در مراحل مختلف دادرسی متنوع می‌باشد.

راهبرد توافقی‌شدن آیین دادرسی کیفری، باتوجه به هدف حقوق کیفری که پاسداری از ارزش‌های بنیادی حقوق بشری و برقراری نظم عمومی است، پیروی طرفه کرده، اما به‌دلیل ویژگی‌های بنیادین و سنتی عدالت کیفری که به‌دنبال تحمیل نمودن، سیاست‌های جنایی تحمیلی و یک‌سویه و از

دادگاه تلاش می‌کند مجازات مناسب و دارای اثرات مفید و کارایی باشد را انتخاب کند، بنابراین بهتر است فردی که مرتکب جرمی می‌شود، برای مدتی در حوزه شغلی مورد نظر به فعالیت ادامه ندهد.

۳-۳- خدمات عام‌المنفعه و شرایط استفاده از آن

انجام خدمات عام‌المنفعه روش دیگر توافقی‌شدن آیین دادرسی کیفری است که در مرحله تعیین کیفر مورد استفاده قرار می‌گیرد. خدمات عام‌المنفعه با لحاظ میزان خطرناکی بزه‌کار و با هدف جبران خسارت‌های زیان‌دیده و ترمیم نظم عمومی مختل شده به‌وسیله وی از رهگذر انجام یک کار رایگان به نفع جامعه مورد حکم قرار می‌گیرد (آشوری، ۱۳۸۴: ۳۲۶). خدمات عام‌المنفعه روشن می‌کند که برحسب آن بزه‌کار به انجام عملی به نفع جامعه و برای زمانی مشخص محکوم می‌شود. باوجود عدم پیش‌بینی این موضوع از سوی قانون‌گذار، انجام خدمات مذکور از سوی مسؤولان و تعیین آن به‌عنوان مجازات به قضات بسیار توصیه می‌گردد که خوشبختانه در سال‌های اخیر شاهد این قبیل آرا از طرف قضات در کشور بوده‌ایم، البته استفاده از خدمات عام‌المنفعه مشروط به شرایطی است، از جمله تعزیری‌بودن جرم، گذشت شاکی و بزه‌دیده، موافقت بزه‌کاران که این موافقت بزه‌کار با تصمیم مقام قضایی درخصوص محکوم‌کردن وی به کیفر خدمات عام‌المنفعه در شمار شرایط استفاده از این شیوه قرار گرفته است (دانش‌پژوه، ۱۳۸۸: ۱۲).

این نوع جایگزینی مجازات دارای نتایج مثبت می‌باشد و بیشتر آثار منفی آن به‌گونه‌ای هستند که با کمی دقت و تلاش می‌توان از آن‌ها جلوگیری به‌عمل آورد. برای مثال اگر فرد محکوم از افراد معروف جامعه باشد، محکومیت وی به خدمات عام‌المنفعه و انجام خدمت در مکان خاص نسبت به سایرین برایش تحقیرآمیزتر خواهد بود. همچنین اگر نوع خدمت باتوجه به توانایی‌های فرد نباشد، نه‌تنها ممکن است خدمات او مفید نباشد، بلکه با انجام اشتباهاتی در انجام کار خسارت‌هایی نیز می‌تواند وارد نماید.

باتوجه به این‌که فرد متهم در ارتباط با سایرین افراد قرار دارد و آزادانه با آن‌ها رفت‌وآمد می‌کند، بر این اساس می‌تواند بر

لازم درجهت پاسخ‌دهی به کیفر موجب ناکارآمدشدن سیستم عدالت کیفری خواهد بود.

گسترش قلمرو نهادهای ارفاق‌آمیز، مانند تعویق تعقیب، تعلیق تعقیب، ترک تعقیب، میانجی‌گری، جایگزین‌های زندان و ... در مراحل پیش‌دادرسی و دادرسی و حتی پس‌دادرسی، چنان‌که گسترش و استفاده از این نهادهای ارفاق‌آمیز در سیاست جنایی موجب مداخله کنشگران جرم (بزهکار و بزه‌دیده) در تصمیم‌گیری قضایی خواهد بود. از جهتی درجهت جبران خسارات بزه‌دیده و التیام‌بخشی او و از طرفی موجب اصلاح پذیرتر شدن بزهکار و حتی در حد وسیع‌تر، رهایی بزهکار از کیفر به‌خصوص در جرایمی که در آینده نه‌چندان دور آثار مخربی را به‌همراه خود خواهد داشت، خواهد بود.

ملاحظات اخلاقی: در این پژوهش، تمامی ملاحظات اخلاقی رعایت شده است.

تعارض منافع: نگارش این مقاله، فاقد هرگونه تعارض منافی بوده است.

سهم نویسندگان: در این پژوهش، نویسندگان مشترکاً اقدام نموده‌اند.

تشکر و قدردانی: لازم است از تمامی کسانی که در تدوین این مقاله، ما را یاری رسانده‌اند، قدردانی نماییم.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین مالی انجام گرفته است.

منابع و مأخذ

- احمدی، احمد (۱۳۸۸). «نقش کیفر خدمات عام المنفعه در پیشگیری از تکرار جرم». مجموعه مقاله‌های کارگروه پیشگیری از جرم و بزه‌دیدگی با تأکید بر نقش پلیس، تهران: دفتر تحقیقات کاربردی پلیس پیشگیری ناجا.

- آشوری، محمد (۱۳۸۴). «جایگزین‌های زندان با مجازات‌های بینابین». علوم جنایی (گزیده مقالات آموزشی برای ارتقا دانش دست‌اندرکاران مبارزه با مواد مخدر در ایران)، جلد دوم، تهران: انتشارات سلسیل.

پیش‌تعیین‌شده دوری کرده و با دیدگاه افقی‌نمودن دادرسی و مصلحت‌سنجانه و ارزیابی همه‌جانبه نسبت به تمام موارد مربوط به ارتکاب جرم و تمام مراحل مختلف رسیدگی کیفری و وضعیت کنشگران جرم در پروسه دادرسی روی آورده است، به این جهت که متناسب‌ترین و واقع‌بینانه‌ترین شیوه را درجهت پاسخ‌دهی به کیفر انتخاب کند. بنابراین توافقی‌شدن که برگرفته از آموزه‌های علمی جرم‌شناسی است، با دوجانبه کردن فرایند کیفری و برابری اراده کنشگران جرم در نوع و ماهیت پاسخ‌های کاهنده کیفری معرفی شده است.

راهبرد توافقی‌شدن دادرسی هنوز به‌شکل نظام‌مند و گسترده وارد سیاست جنایی نشده است، اما روش‌های این راهبرد به شکل گسترده و فراگیر در قوانین کیفری ایران به‌خصوص قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ و قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ اصلاحی ۱۳۹۴ در تمام مراحل دادرسی به‌کار گرفته شده است. در این پژوهش اقدامات کاهنده پاسخ‌های کیفری را در مرحله پیش‌دادرسی در روش‌های ترمیمی، قضایی، اداری در غالب نهادهای ارفاق‌آمیزی چون ترک تعقیب، تعلیق تعقیب، میانجی‌گری و ... و در مرحله دادرسی روش‌های کاهنده پاسخ‌های کیفری چون جایگزین‌های زندان، قرار نظارت قضایی و ... مورد بررسی قرار گرفت.

پیشنهادات: باوجود این‌که راهبرد توافقی‌شدن دادرسی در مراحل مختلف دادرسی با شرایطی خاص ورود پیدا کرده است، اما پیشنهاد می‌شود که تلاش‌های بیشتری در راستای توافقی‌شدن کیفر درجهت کاهش پاسخ‌های کیفری صورت گیرد.

از پیشنهاداتی که در این مقوله می‌توان داد، فرهنگ‌سازی درجهت توافقی‌شدن آیین دادرسی به‌موجب این راهبرد، با مصلحت‌سنجی و بهره‌بردن از ظرفیت‌های موجود در فرایند کیفری درجهت پاسخ‌های کاهنده کیفر، سیاست‌گذاران به تقویت و فرهنگ‌سازی این راهبرد مبادرت ورزند.

برای کارآمدتر شدن نظام عدالت کیفری دست‌اندرکاران و مأموران عدالت کیفری از تخصص کافی و جامع از شیوه‌های کاهنده پاسخ‌های کیفری داشته باشند، چراکه عدم تخصص

- آشوری، محمد (۱۴۰۰). *آیین دادرسی کیفری*. جلد دوم، چاپ پانزدهم، تهران: انتشارات سمت.
- آلت مئس، فرانسوا (۱۳۸۵). «قراردادی کردن حقوق کیفری، افسانه یا واقعیت». ترجمه رضا فرج‌اللهی، *فصلنامه حقوقی دادگستری*، ۱۶۵-۱۸۸.
- بخشی‌زاده اهری، امین (۱۳۹۷). *تحولات و رویکردهای نوین قانون مجازات اسلامی جدید*. چاپ سوم، تهران: انتشارات اندیشه عصر.
- حاجی ده‌آبادی، محمدعلی و سلیمی، احسان (۱۳۹۸). «مبانی، اصول و ساز و کارهای اجرایی مدل کیفر گذاری هدفمند». *فصلنامه پژوهش‌های حقوق کیفری*، ۲۹: ۱۰۱-۱۳۴.
- حاجی ده‌آبادی، محمد و نیک‌نسب، علی (۱۳۹۷). «نظریه توافقی شدن کیفر حدی مبانی فقهی و چالش‌های اجرایی». *فصلنامه پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی*، ۵۲: ۷۳-۹۲.
- حجتی، مهدی (۱۳۹۴). «میانجی‌گری؛ راهکاری نو در دادرسی‌های کیفری». *روزنامه ایران*، ش ۳۱۰.
- دانش‌پژوه، وهاب (۱۳۸۸). «محرومیت از حقوق اجتماعی در حقوق کیفری ایران و فقه امامیه». *مجله پژوهشی دانشگاه امام صادق*، ۹: ۱۸۱-۲۱۴.
- عامری، فاطمه و صادقی، مهران (۱۳۹۲). «بررسی مبانی حقوقی و جرم‌شناسی نهاد تعویق صدور حکم در قانون جدید مجازات اسلامی». *اولین همایش منطقه‌ای آسیب‌شناسی قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲*، تهران.
- عباسیان، عطیه و عالی‌پور، حسن (۱۳۹۴). «ظرفیت‌های نهاد معامله اتهام به نظام کیفری ایران». *مجله مطالعات حقوق تطبیقی*، ۶(۲): ۶۹۹-۷۲۴.
- عمید، حسن (۱۳۹۳). *فرهنگ فارسی عمید*. چاپ نوزدهم، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- کوشکی، غلامحسین (۱۳۸۹). «جایگزین‌های تعقیب دعوی عمومی در نظام دادرسی کیفری ایران و فرانسه». *فصلنامه پژوهش‌های حقوقی*، ۲۹: ۳۲۷-۳۵۰.
- گلدوست جویباری و رجب، نیازور، حسن (۱۳۹۰). «تعقیب دعوی کیفری جلوه ای از توافقی شدن آیین دادرسی کیفری». *نشریه تحقیقات حقوقی*، ۵: ۸۹-۱۲۸.
- مسعود، غلام حسین (۱۳۷۴). *آیین دادرسی کیفری (قرارهای محدودکننده آزادی)*. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- نوربها، رضا (۱۳۸۰). «تعديل شدت مجازات (تخفيف کيفر)». *تحقیقات حقوقی*، ۳۳: ۷-۳۰.
- نورپور، محسن (۱۳۹۲). *جایگزین‌های تعقیب کیفری و جایگاه آن در سیاست جنایی تقنینی ایران*. پایان نامه کارشناسی ارشد، مشهد: دانشگاه فردوسی.
- نیازپور، امیرحسین (۱۳۹۹). *توافقی شدن آیین دادرسی کیفری*. چاپ نهم، تهران: انتشارات میزان.